

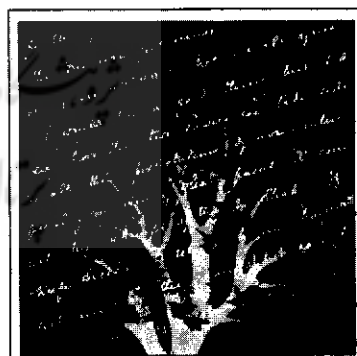
# اوضاع ایران در سالهای ۱۳۰۰ - ۱۳۰۱ شمسی از خلال گزارشهای سفارت انگلیس



مقدمه:

«هرج و مرج داخلی، آشفتگی اوضاع اجتماعی و سیاسی و عدم امنیت، فقر و قحطی، پراکندگی نیروهای اجتماعی، سیاسی و... از جمله مسائلی است که پس از جنگ جهانی اول گریبانگیر جامعه و مردم ایران شده بود. این مسائل گرچه ریشه در ساختار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور داشت ولی با کشیده شدن ناخواسته ایران به جنگ بین‌الملل اول رشد یافت و به دلیل دخالت‌های آشکار قدرت‌های خارجی نظیر انگلستان، روسیه تزاری، آلمان و عثمانی در امور داخلی ایران تشدید شد. بروز این مسائل در جامعه‌ای که به دنبال برپایی انقلاب مشروطه آرمان‌های بلندی در سر می‌پروراند، واکنش‌های عدیده‌ای برانگیخت که از آن جمله می‌توان وقوع جنبش‌های انقلابی در مناطقی نظیر گیلان، آذربایجان و اعتراض و نافرمانی نسبت به حکومت مرکزی را در نقاط دیگر نام برد. پیدایش نهضت جنگل در چنین شرایطی بود.»<sup>۱</sup>

• مهدی ابوالحسنی



جنبش میرزا کوچک خان

بنابر

گزارشهای سفارت انگلیس

گردآورنده و مترجم  
غلامحسین میرزاصالح

یکی از مآخذ مطالعه و بررسی تاریخ معاصر ایران گزارش‌های دقیق و موثکافانه سفارتخانه‌های بیگانه در ایران است. این موضوع حتی در مورد دوره‌های متقدم‌تر مانند صفویه نیز صادق است. مانند گزارش‌های ماموران و سفرای هلند به هنگام محاصره و اشغال اصفهان توسط افغانه در سال ۱۱۳۵ ق.

با گسترش فعالیت‌های اقتصادی اروپائیان در ایران به تدریج کنسول‌گری‌ها و سفارتخانه‌های آنان در مسائل سیاسی نیز وارد شدند و علاوه بر پرداختن به مسائل سیاسی مهم و عقد قراردادهای بازرگانی، در گزارش‌های خود به حوادث و وقایع به ظاهر کم اهمیت نیز پرداختند. به دلیل فقدان مدارک خودی و سکوت اسناد دولتی، این گزارش‌ها راهگشای مسیر تاریخ وقایع و حوادث ایران می‌باشد.

• جنبش میرزا کوچک خان بنابر گزارش‌های سفارت انگلیس

• گردآورنده: غلامحسین میرزاصالح

• ناشر: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۹-۱۷۷ ص، ۱۰۰۰ ریال



کتاب «جنبش میرزا کوچک خان» مشتمل بر حوادث یکسال پایانی منتهی به مرگ میرزا کوچک خان می‌باشد، اما مزیت آن در این است که به تداوم نهضت جنگل پس از مرگ میرزا و دل مشغولی‌های حکومت مرکزی نسبت به آن می‌پردازد

کتاب جنبش میرزا کوچک خان بنابر گزارش‌های سفارت انگلیس<sup>۲</sup> از این نمونه است. این کتاب دومین کتاب از مجموعه‌ای است که غلامحسین میرزا صالح از میان اسناد و گزارش‌های پراکنده سفارت و کنسولگری‌های دولت انگلیس استخراج کرده است. کتاب نخست تحت عنوان جنبش کلنل محمدتقی خان پسیان<sup>۳</sup> پیش از این چاپ و نشر یافته است و مترجم محترم قول داده گزارش‌های مربوط به شیخ خزعل و سردار سپه را نیز بزودی در اختیار علاقمندان و پژوهشگران قرار دهد. کتاب حاضر با گزارش وقایع هفته پیش از هفتم ماه مه ۱۹۲۱/ اردیبهشت ۱۳۰۰ آغاز و به گزارش وقایع هفته پیش از ۲۹ ژوئیه ۱۹۲۲/ ۷ مرداد ۱۳۰۱ ختم می‌شود.

با آنکه عنوان اصلی کتاب جنبش میرزا کوچک خان است اما می‌توان این مجموعه را به چند دسته چون: جنبش میرزا کوچک خان جنگلی، قیام اسماعیل خان سمیتکو، جنبش محمدتقی خان پسیان، جنبش ابوالقاسم خان لاهوتی، روند تشکیل ارتش در ایران، مطبوعات اوضاع اقتصادی شوروی و موضوعات پراکنده تقسیم کرد.

قبل از پرداختن به گزارش‌ها لازم است به چند نکته اشاره شود: با آنکه مترجم محترم در پیشگفتار اشاره نموده که مطالب این کتاب از میان انبوه اسناد و گزارش‌های پراکنده سفارت و کنسولگری‌های انگلیس استخراج شده ولی معلوم نیست که آیا تلیخیص یا گزینش این گزارش‌ها کار ایشان بوده یا آنکه در اصل چنین بوده است زیرا مثلاً گزارش‌های مربوط به کلنل محمدتقی خان پسیان در این کتاب به طور کامل خلاصه شده است در حالی که در جای دیگر به تفصیل آمده است.<sup>۴</sup>

با آنکه کتاب نخست صرفاً گزارش‌های مربوط به مشهد و سایر شهرهای خراسان را در برمی‌گیرد، کتاب مورد بحث که می‌بایست طبیعتاً مربوط به گیلان و جنبش جنگل باشد به حوادث و رویدادهای مرکز و دیگر شهرهای کشور نیز می‌پردازد و تصویری از وقایع سراسر کشور بدست می‌دهد.

کتاب از ترجمه دقیق و روانی برخوردار است و به دقت ویراستاری شده تنها در یک مورد و احتمالاً در نگارش متن اشتباهی رخ داده است: «الوار کار حمله به بجنورد و اطراف آن را از سرگرفته‌اند و هر بار دست به غارت روستاهای منطقه می‌زنند. رضاخان یک‌واحد نظامی جهت سرکوبی الوار گسیل داشته است.»<sup>۵</sup>

بجنورد از شهرهای خراسان است که می‌بایست گزارش کامل این واقعه در گزارش‌های کنسولگری‌های انگلیس در خراسان آمده باشد. اما آنچه در خصوص ناآرامی‌های بجنورد ذکر شده به شورش سردار معزز و فرج‌الله خان مربوط می‌باشد و هیچ اشاره‌ای به حمله الوار به این شهر نشده است.<sup>۶</sup> تنها در یک مورد از سواران بختیاری و ناراضیاتی مردم مشهد از ورود صمصام السلطنه به همراه سواران بختیاری به شهر<sup>۷</sup> صحبت به میان آمده است. باتوجه به گزارش‌هایی از اعزام نیرو به بروجرد و فاصله نسبتاً زیاد محل اسکان الوار از بجنورد احتمال دارد

گزارش فوق‌الذکر درباره بروجرد باشد نه بجنورد.

چهل پیوست، مانند شعر ضد انگلیسی فرخی مدیر روزنامه طوفان، نامه رضاخان وزیر جنگ به امیر لشکر شمال، متن نامه روتشتین به میرزا کوچک خان، در میان گزارش‌ها و به تناسب گنجانده شده است. نکته‌ای که خواننده کتاب باید مد نظر قرار دهد این که نهضت جنگل از شوال ۱۳۳۳ ق. آغاز و تا ربیع الثانی ۱۳۴۰ / آذر ۱۳۰۰ زمان وفات میرزا ادامه می‌یابد این نهضت به چهار مرحله تقسیم می‌شود:

۱- از آغاز شکل‌گیری مبارزه تا آخر ذیحجه ۱۳۳۵ / انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه.

۲- از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ تا تسلیم شدن حاج احمدکسمایی و دکتر حشمت ۱۳۳۷ ق.

۳- از شعبان ۱۳۳۷ تا شعبان ۱۳۳۹ یعنی زمان توافق انگلیس و شوروی و قرارداد ۱۹۲۱ ایران و شوروی و توافق طرفین برای خاموش کردن نهضت جنگل.

۴- از شعبان ۱۳۳۹ تا ربیع الثانی ۱۳۴۰.

همان‌طور که مشاهده می‌شود مطالب کتاب مشتمل بر حوادث یکسان پایانی منتهی به مرگ میرزا می‌باشد اما مزیت آن در این است که به تداوم نهضت جنگل پس از مرگ میرزا و دل مشغولی‌های حکومت مرکزی نسبت به آن می‌پردازد.

با اینکه در سال‌های گذشته تعداد انبوهی کتاب و مقاله درباره جنبه‌های مختلف نهضت جنگل نوشته شده است، اما این گزارش‌ها به دلیل دقت در جمع‌آوری و احاطه بر مسائل، از ارزش ویژه‌ای برخوردار است. گرچه برخی گزارش‌ها نیز به قضاوت مأموران انگلیسی آلوده شده است.

در ادامه مقاله به معرفی بخش‌های مختلف گزارش‌های می‌پردازیم:

### جنبش میرزا کوچک خان

با آنکه انگلیسی‌ها همه جا از حمایت بلشویک‌ها از حکومت جنگل سخن گفته‌اند اما در این گزارش‌ها می‌توان به خوبی موضع‌گیری‌های میرزا، احسان الله خان و خالوقربان رادر برابر روس‌ها از یکدیگر تمیز داد. به عنوان نمونه در فهرست کمیته انقلاب سرخ پس از تشکیل حکومت جمهوری در گیلان، احسان الله خان و خالو قربان از جانب میرزا عهده دار هیچ سمتی نشدند. به علاوه روس‌ها مدت‌ها پیش از شکست نهضت، قول همکاری با دولت مرکزی را داده بودند.<sup>۸</sup> پس از تخلیه رشت توسط روس‌ها، احسان الله خان و خالو قربان با نیروی چهار هزار نفری متشکل از افراد آذربایجانی، گیلانی، قفقازی، ترک، کرد و فرماندهان فراری ژاندارمری و روسیه تزاری این شهر را اشغال کردند اما پس از سقوط کابینه سیاه، روس‌ها کار تخلیه ایران را ناتمام گذاشته، دربندر انزلی به تجدید قوا پرداختند.<sup>۹</sup>

طبق این گزارش‌ها، میرزا سعی کرد با سمیتکو و امیر مؤید سوادکوهی، علیه دولت مرکزی متحد شود درحالی‌که مذاکره میان نمایندگان حکومت

مرکزی و میرزا در کسما ادامه داشت و بسیاری از سلاحهای روسها پس از خروج از گیلان دردست متحدان میرزا قرار داشت.<sup>۱۲</sup> اقدامات خودسرانه خالو قربان و احسان الله خان مانند تصرف شهر رشت و دریافت کمک از روسها مورد قبول میرزا نبود. روسها کاملاً از میرزا دل سرد شده بودند، زیرا او را یک ایرانی ناسیونالیست می‌شناختند.<sup>۱۳</sup> میرزا مناطق تحت سلطه خود را به سه بخش اداری تقسیم کرد: رشت و انزلی زیر نظر خالوقربان؛ لاهیجان و تنکابن زیر نظر احسان الله خان؛ کسما، فومن، ماسوله و پسیخان زیر نظر خودش همچنین کوچکخان بر تمام منطقه ریاست فائده داشت، مجموع نیروهای این سه نفر شش هزار و دویست نفر بود.<sup>۱۴</sup> اختلاف در جنبشها منحصر به میرزا نبود، بلکه گزارشهایی از درگیری میان احسان الله خان و خالوقربان و در نتیجه هرج و مرج و بی نظمی در رشت موجود می‌باشد. روند تضعیف، تجزیه و شکست تدریجی نهضت بر اثر اقدامات خودسرانه متحدان میرزا، شکست امیر مؤید سوادکوهی و باز شدن راه نفوذ قوای دولتی از شرق گیلان، خیانت روسها به میرزا، جدایی سعدالدوله پسر سپهسالار تنکابنی از میرزا و پیوستن او به رضاخان، پیشروی نیروی قزاق از جنوب و شرق گیلان و تصرف شهرها، پیوستن خالوقربان به رضاخان و دریافت عنوان و درجه نظامی؛ از خلال این گزارشها به خوبی آشکار است.<sup>۱۵</sup> نهضت جنگل پس از خیانت آشکار متحدان و مهمانان ناخوانده میرزا به روزهای پایانی خود نزدیک می‌شد. آن‌گاه که خالوقربان از سوی رضاخان به حکومت انزلی منصوب شد، دولت مرکزی برای زنده کردن میرزا ده هزار تومان و برای مرده او پنج هزار تومان جایزه تعیین کرد. نیروهای دولتی در پی میرزا جنگل را جوارب کردند و سرانجام میرزا در میان برف و کولاک در ششم دسامبر ۱۹۲۱ / پنجم آذر ۱۳۰۰ به علت سرمازدگی جان خود را از دست داد (منابع دیگر مرگ میرزا را سیزده آذر نوشته‌اند)<sup>۱۶</sup>

### نهضت جنگل پس از میرزا

خالوقربان به همراه خالو مراد سر میرزا را به تهران برده و به لقب «سالار مظفر» مفتخر گردید. قوام السلطنه طی اعلامیه‌ای اطلاع خبر کشته شدن میرزا به عموم را قذغن نمود.<sup>۱۷</sup> شعله‌های نهضت پس از مرگ میرزا خاموش نشد، حاج احمد کسمایی و احسان الله خان تمهیداتی برای بازگشت به گیلان و ادامه نهضت فراهم دیدند.<sup>۱۸</sup> کربلایی ابراهیم از طرفداران میرزا در فومن دست به شورش زد و کسما را تصرف کرد. انگلیسی‌ها، روس‌های باکو را محرک او در این اقدامات می‌دانستند.<sup>۱۹</sup> سردار مقتدر طالشی و سیدجلال چمنی «چهار فرضیه» را تصرف و حاکم آن را اخراج کردند.<sup>۲۰</sup> دولت مرکزی در نهم فروردین ۱۳۰۱، هفت هزار نیروی پیاده به همراه دو توپ صحرایی را به رشت اعزام نمود. کربلایی ابراهیم برادر حاج احمد کسمایی در هجده فروردین دستگیر و در رشت اعدام شد.<sup>۲۱</sup> اما عملیات جنگی سیدجلال چمنی تا اواخر تیرماه ۱۳۰۱ ادامه داشت.

### قیام سمیتکو

یکی از دلایل طولانی شدن نهضت جنگل، شورشها و ناآرامیهای صورت گرفته در دیگر مناطق بود. قیام اسماعیل خان سمیتکو در مناطقی از آذربایجان و کردستان، در اواخر کارمیرزا برای مدتی نیروهای دولتی را به خود مشغول داشت. سمیتکو باتصرف سراسر ناحیه میان سلماس تا سلدوز، رفت و آمد دولتیان را مختل کرد. علاوه بر آن میان او و ترکهای ناسیونالیست فراری از ترکیه و اعضای حزب کمالیست در ایران اتحاد و توافقی حاصل شده بود که سفارت انگلیس آن را زیر نظر داشت. او همچنین از برخی حمایت‌های روسای قبایل عرب عراق نیز برخوردار بود.<sup>۲۲</sup> پس از سرکوب نهضت جنگل، رضاخان فرصت یافت تا نیروی پنج هزار نفری برای سرکوب شورش سمیتکو به تبریز بفرستد. شایعه تحریک سمیتکو توسط عناصر انگلیسی در بغداد و اتحاد کردهای ترکیه با سمیتکو و شکست نیروهای دولتی در برابر متحدان، رضاخان را واداشت تا جمیل بیگ، کمالیست ترک را برای وساطت به نزد سمیتکو بفرستد.<sup>۲۳</sup> در فهرست اعضای حزب کمالیست در ایران به شخصیت‌هایی چون مدرس، تقی زاده، مشیرالدوله، سلیمان میرزا و صمصام السلطنه برمی‌خوریم.<sup>۲۴</sup>

گرچه قیام دموکرات‌های تبریز به رهبری ابوالقاسم خان لاهوتی مدتی موجب رونق کار سمیتکو گردید، اما جدایی نیروهای کمالیست از سمیتکو و قطع حمایت و کمک‌های انگلستان موجب شکست در اردوی «پارتیزان‌های بخش کردستان» گردید. از وقایع جالب این زمان، کشته شدن خالوقربان خائن در نبرد با سمیتکو در جنگ بوکان در بیست و هفتم ماه مه ۱۹۲۲ / ششم خرداد ۱۳۰۱ می‌باشد.<sup>۲۵</sup>

### جنبش کلنل محمد تقی خان پسیان

گزارش‌های مربوط به قیام کلنل مختصر و مربوط به اواخر کاراوست. رضاخان نه تنها به کلنل به شکل یک رقیب می‌نگریست بلکه حاضر به دخالت مستقیم در مسئله خراسان نیز نبود زیرا وی از تئانی پلیس جنوب با کلنل هراس داشت.<sup>۲۶</sup> در نهایت در اکتبر ۱۹۲۱ / مرداد ۱۳۰۰ با تصرف قوچان توسط سردار معزز بجنوردی و فرج الله خان و برتری تجهیزات و حيله و نیرنگ دولت مرکزی، خبر کشته شدن کلنل به تهران رسید.

### شورش ابوالقاسم خان لاهوتی

وی از افسران با سابقه ژاندارمری بود که در فوریه ۱۹۲۲ / اسفند ۱۳۰۰ ش. با همراهی فرقه دموکرات و به خون خواهی شیخ محمد خیابانی تبریز را تصرف کرده، پرچم و تصاویر شاه ایران را به زیر کشیده، شهر را به کنترل خود در آورد. مخبر السلطنه حکمران تبریز اخراج و انبارهای دولتی تصرف گردید اما به زودی این شورش توسط نیروی قزاق سرکوب و لاهوتی‌خان به شمال ارس گریخت و مصدق السلطنه به



بر اساس گزارش‌های سفارت انگلیس، اولین مجله هفتگی نظامی به نام «قشون» در برج سنبله (شهریور) ۱۳۰۱ منتشر گردید که در نخستین شماره آن مقاله‌ای درباره منسوجات ایرانی و استفاده از آن به چاپ رسیده و بر کاهش واردات پارچه تأکید شده بود



از نکات بسیار جالب و قابل توجه در گزارش‌های دولت انگلستان، اشاره به وضعیت مطبوعات ایران است.

حکمرانی آذربایجان منصوب گردید.

### روند تشکیل ارتش

در کابینه سیدضیاءالدین طباطبائی طرح مربوط به تجدیدنظر در تشکیلات دیویزیون قزاق و بریگارد مرکزی به منظور ایجاد ارتش ملی به شیوه اروپایی به بحث و مذاکره گذاشته شد. در این طرح تغییر نام دیویزیون قزاق و ژاندارمری پیش بینی شده بود. سازمان ژاندارمری که پیش از این از وزارت داخله جدا شده و در وزارت جنگ ادغام گردیده بود، نسبت به این تصمیم ناخرسندی نشان می‌داد. در این طرح مدرسه دیویزیون قزاق به نام کادت (Cadet) و مدرسه افسران ژاندارمری و مدرسه نظام همه در یک کالج نظامی ادغام می‌شدند. طرح نوسازی ارتش به دلیل اختلافات رضاخان و نخست وزیر مدتی مسکوت ماند زیرا رضاخان با دادن اختیارات ارتش به انگلیسی‌ها مخالف بود.<sup>۲۷</sup> رضاخان برای مخلوط کردن پلیس جنوب در ارتش شش ماه به آنان فرصت داد تا به ارتش ایران بپیوندند. او از افسران سوئدی ژاندارمری برای آموزش و از روس‌ها برای خدمات فنی ارتش استفاده می‌کرد. رضاخان همچنین تصمیم به خرید تسلیحات و خدمات فنی از سوئد و آلمان گرفت.<sup>۲۸</sup>

تا پایان سپتامبر ۱۹۲۱ / اوایل دی ماه ۱۳۰۰، دو سوم پلیس جنوب در ارتش ادغام شد و در دوازدهم دسامبر سرفرماندهی پلیس جنوب منحل و نیروهای باقی مانده به هند رفتند.<sup>۲۹</sup> به دستور رضاخان کلیه افسران سوئدی از پست‌های ژاندارمری برکنار شدند. کمیسینی برای تهیه اساسنامه تشکیلات جدید ارتش مأمور شد و مبلغ دوازده میلیون تومان بودجه سالانه برای آن تعیین کرد. با این حال میان دولت و رضاخان بر سر بودجه ارتش اختلاف وجود داشت و رضاخان با اختصاص دادن مالیات‌های غیر مستقیم و سایر درآمدها به ارتش این اختلاف را دامن می‌زد.<sup>۳۰</sup> در پنجم ژانویه ۱۹۲۲ / پانزدهم دی ماه ۱۳۰۰ - ش تقسیمات جدید قشون توسط رضاخان اعلام شد. براساس سازمان جدید سراسر ایران به پنج منطقه نظامی تقسیم شده بود: تهران با چهارده هزار نیرو، اصفهان ۶۰۰۰ نیرو، مشهد ۱۶۰۰۰ نیرو، همدان ۶۰۰۰ نیرو و تبریز ۶۰۰۰ نیرو. همچنین سازمان شیر و خورشید برای کمک به مجروحین جنگ تأسیس شد.<sup>۳۱</sup>

رضاخان با صدور دستور، درجات نظامی قدیمی را لغو و به جای آن عناوین جدید سپهبد، امیرلشکر، سرتیپ، سرهنگ، سرگرد، سروان، ستوان و ستوان دوم، را وضع کرد. اولین مجله هفتگی نظامی به نام «قشون» در برج سنبله (شهریور) ۱۳۰۱ منتشر گردید که در این شماره مقاله‌ای درباره مسوجات ایرانی و استفاده از آن به چاپ رسیده و بر کاهش واردات پارچه تأکید شده بود.<sup>۳۲</sup>

با مقایسه دو فهرست از حقوق صاحب منصبان نظامی در این زمان می‌توان به عمق مشکلات مالی دولت و ارتش پی برد. به این معنا که

پس از گذشت چند ماه حقوق و مزایای نظامی کاهش محسوسی یافته است.<sup>۳۳</sup>

از مهم‌ترین اقدامات رضاخان برای نوسازی ارتش می‌توان به اعزام پنجاه و سه نفر افراد داوطلب برای آموزش نظامی به فرانسه، سربازگیری از شهرها و ایلات و عشایر، اعطای درجات جدید و اخراج افسران فاقد صلاحیت از ارتش، اشاره کرد.

### مطبوعات

از نکات بسیار جالب و قابل توجه در این گزارش‌ها وضعیت مطبوعات است. مطبوعات مردمی و غیر وابسته که از سوی مأموران انگلیسی به داشتن رابطه با انقلابیون بلشویکی و حمایت مالی توسط آنان متهم شده‌اند. گرچه پس از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه، روشنفکران ایرانی تحت تأثیر این انقلاب قرار گرفته و بسیاری از آزادیخواهان مدینه فاضله را در سایه این انقلاب جستجو می‌کردند و حتی ادبیات و مطبوعات این دوره تحت تأثیر ارزش‌های انقلابی قرار گرفت. اما به اعتراف همان مأموران بیگانه توقیف مطبوعات وحسب و شکنجه مدیران آن تنها به دلیل مخالفت با استبداد داخلی و استعمار انگلستان بوده است.

در این گزارش‌ها فهرست جامعی از روزنامه‌های تهران و سایر شهرها به دست می‌آید. نیز اخبار مربوط به زایش و فعالیت مطبوعات در این گزارش‌ها منعکس شده است. افشای علیه قراردادهای سری ایران با دیگر کشورها، مقالات ضد انگلیسی، افشای درباره کودتای سیاه و مطالب ضد سردار سپه، موضوع اصلی نوشته‌های آنان را تشکیل می‌داده است. در مقابل توقیف مطبوعات، عکس‌العمل و مخالفت گروهی مدیران جراید را شاهد هستیم. در ادامه به چند نمونه از گزارش‌های این چنینی اشاره می‌کنیم:

«روزنامه وطن در شماره ۸ سپتامبر خود از مردم خواسته است که از خریدن کالاهای انگلیسی خودداری ورزند و به نمایندگان مجلس هم توصیه کرده که مردم را به پوشیدن مسوجات وطنی تشویق کنند.»<sup>۳۴</sup>

«روزنامه‌های ستاره ایران و ستاره شرق در ۲۱ فوریه به علت توهین به اعضای دولت توقیف شدند. انتشار روزنامه طوفان نیز در روز بعد یعنی ۲۲ فوریه متوقف گردید.» «روزنامه ایران در شماره ۲۲ فوریه خود از رضاخان به علت مشارکت در کودتای ۲۲ فوریه ۱۹۲۱ انتقاد کرده است.»<sup>۳۵</sup> روزنامه‌های تبریز به استثنای روزنامه آزاد به دستور مخبرالسلطنه والی آذربایجان توقیف شدند.<sup>۳۶</sup> احسان‌الله‌خان به کمک سفارت شوروی دست به انتشار روزنامه زحمت به زبان‌های فارسی و ترکی زد.<sup>۳۷</sup>

### اوضاع اقتصادی شوروی

از مسائلی که در سراسر این گزارش‌ها خواننده با آن برخورد می‌کند، مسئله خرید مواد غذایی و کالاهای کشاورزی توسط بازرگانان و مأموران سیاسی شوروی از شهرهای ایران است. باگذشت چهار سال از انقلاب ۱۹۱۷ مشکلات اقتصادی و از جمله قحطی گریبانگیر دولت روسیه

بوده است. در دوران مبارزات میرزا کوچک خان این نیازها بیشتر از شهرها و بنادر گیلان تأمین می‌شدولی پس از شکست میرزا روس‌ها مجبور به رجوع به دیگر شهرهای ایران نیز شدند. روس‌ها در مقابل صادر کردن مواد غذایی از ایران (گندم، برنج، سبزیجات و میوه‌های خشک شده) اقلامی مانند: شکر، نفت چراغ، دام، طلا، منسوجات، چینی آلات و ماشین آلات به ایران وارد می‌کردند و مهمتر این که برای رقابت با نمونه‌های مشابه داخلی آن را به بهای قلیل می‌فروختند.

این اقدامات روس‌ها در برخی مناطق با عکس العمل و مخالفت مردم روبرو می‌گردید، زیرا به تدریج موجب بالارفتن هزینه زندگی و قیمت مواد غذایی می‌گردید. بنابراین دولت ایران صدور برنج از گیلان و مازندران را به شوروی ممنوع اعلام کرد، اما مأموران شوروی با پرداخت رشوه به مأموران بنادر ایرانی به این کار ادامه می‌دادند.<sup>۲۸</sup>

تبریز، سمنان، زنجان، قزوین، شاهرود، دامغان، بندرگز، بندر شرفخانه، رشت و انزلی بیشتر طرف قراردادهای روس‌ها بود.

در پایان توجه خوانندگان عزیز را به برخی از نکات جالب و ظریف در گزارش‌های سفارت انگلیس جلب می‌کنیم

اعتصاب مدارس تهران در دسامبر ۱۹۲۱ / دی ماه ۱۳۰۰، به علت نگرفتن چند ماه موجب و حقوق<sup>۲۹</sup>، افتتاح بیمارستان شوروی در تهران و مسافرت احمدشاه در ۲۵ ژانویه ۱۹۲۱ به اروپا با نام رمزی پرنس عباس میرزا،<sup>۳۰</sup> دعوت مردم قزوین توسط علماء برای مصرف نکردن شکر از کشورهای غیرمسلمان<sup>۳۱</sup>، ساخت و اتمام پل آهنی سفیدرود در ۲۱ آوریل ۱۹۲۲<sup>۳۲</sup>، معرفی احزاب دموکرات در شهرهای تهران، همدان، قزوین، تبریز و فعالیت‌این احزاب، برخی قضاوت‌های نزدیک به واقع درباره رضاخان سردار سپه (غرور، جاه‌طلبی و دیکتاتوری) از دیگر نکات این گزارش‌ها است.

#### پی نوشت‌ها:

۱- نهضت جنگل، گنجینه اسناد، ویژه نامه نهضت جنگل، سال ۱۱ شماره ۴۳، پاییز ۱۳۸۰، ص ۱۴.

۲- غلامحسین میرزا صالح (گردآورنده و مترجم)، جنبش میرزا کوچک خان بنابر گزارش‌های سفارت انگلیس، نشر تاریخ ایران، چاپ اول ۱۳۶۹.

۳- غلامحسین میرزا صالح (گردآورنده)، جنبش کلنل محمدتقی خان پسیان، گزارش‌های کنسولگری انگلیس در مشهد، نشر روایت، چاپ دوم ۱۳۷۰. چاپ اول نشر تاریخ ایران ۱۳۶۶.

۴- «همان»، ص ۱۰۸-۱۰۷.

۵- جنبش میرزا کوچک خان بنابر گزارش‌های سفارت انگلیس، ص ۱۵۷.

۶- جنبش کلنل محمدتقی خان پسیان، صص ۴۸ و ۳۵ و ۹۱ و ۱۵۷ و ۱۷۸ و ۱۸۰.

۷- همان صص ۱۰۴ و ۱۸۴.

۸- نهضت جنگل، اسناد محرمانه و گزارش‌ها، به کوشش فتح‌الله کشاورز، سازمان اسناد ملی ایران ۱۳۷۱ به نقل از گنجینه اسناد، شماره ۴۳، ص ۱۲۹.

۹- کریمیان، نادر، گزیده‌ای از اسناد و مدارک و کتاب‌شناسی میرزا کوچک‌خان جنگلی و نهضت جنگل، به نقل از گنجینه اسناد، شماره ۴۳، ص ۱۵۷-۱۳۶.

۱۰- جنبش میرزا کوچک خان، ص ۹.

۱۱- همان، ص ۱۱.

۱۲- همان، ص ۱۷-۱۵.

۱۳- همان، ص ۱۹-۱۸.

۱۴- همان، ص ۲۱.

۱۵- همان، ص ۲۲-۲۲.

۱۶- نهضت جنگل، گنجینه اسناد، شماره ۴۳، ص ۱۴.

۱۷- جنبش میرزا کوچک خان، ص ۹۶.

۱۸- همان، ص ۱۴۴ و ۱۱۷.

۱۹- همان، ص ۱۳۹ - ۱۳۷.

۲۰- همان، ص ۱۲۴.

۲۱- همان، ص ۱۵۱ - ۱۴۵.

۲۲- همان، ص ۷۶ و ۳۶.

۲۳- همان، ص ۱۰۱.

۲۴- همان، ص ۱۱۱ و ۱۱۰.

۲۵- همان، ص ۱۵۷.

۲۶- همان، ص ۳۱-۳۰.

۲۷- همان، ص ۱۰ و ۹.

۲۸- همان، ص ۵۲ و ۳۷.

۲۹- همان، ص ۹۷ و ۴۸.

۳۰- همان، ص ۱۶ و ۷۷ و ۹۸ و ۹۷.

۳۱- همان، ص ۱۱۷ و ۱۱۵.

۳۲- همان، ص ۱۴۳ و ۱۳۸.

۳۳- همان، ص ۱۴۷ و ۱۳۸.

۳۴- همان، ص ۳۷.

۳۵- همان، ص ۱۳۰.

۳۶- همان، ص ۱۱۹.

۳۷- همان، ص ۱۶۵.

۳۸- همان، ص ۹۷.

۳۹- همان، ص ۱۰۸.

۴۰- همان، ص ۱۲۱.

۴۱- همان، ص ۱۳۹.

۴۲- همان، ص ۱۵۳.

مطبوعات مردمی و غیر وابسته از سوی مأموران انگلیسی به داشتن رابطه با انقلابیون بلشویکی و حمایت مالی توسط آنان متهم شده‌اند. اما به اعتراف همین گزارش‌ها، توقیف مطبوعات و حبس و شکنجه مدیران آن تنها به دلیل مخالفت با استبداد داخلی و استعمار انگلستان بوده است

